**به نام خدا**

**دوره ی تخصصی آموزش مدرسین کارورزی**

**باز آموزی دوره کارورزی 3**

**دانشگاه فرهنگیان**

**کارگاه دوم**

**شهریور 1394**

**عناوین اساسی**

* **ما در کارورزی 3 طرح کنش پژوهشی فردی برای آموزش حرفه ای معلم را داریم.**

**مراحل کنش پژوهشی**

**من؟**

* **توصیف من، شرایطم، مساله ام و موقعیتی که در آن قرار دارم.**
* **من که قرار است معلم ابتدایی یا متوسطه شود، کی هستم؟چند ساله ام؟ کجا زندگی می کنم؟چه حساسیت هایی دارم؟ چه علایقی دارم؟چه توانایی هایی دارم؟ چه مطالعاتی دارم؟در زندگی حرفه ای خود و در زندگی شخصی خودچه اهدافی دارم؟ انتظار دارم چه جور معلمی باشم ؟ چه تعریفی از معلمی خود دارم؟**

**چه مساله ای؟**

* **آرزویم این است؛ حالا چه چیز در دستم دارم؟ حالا چه کار می خواهم بکنم؟ در این ترم کارورزی برای اینکه چنان معلمی باشم می خواهم چه کارهایی بکنم؟چه تصمیماتی را عملیاتی کنم؟ چه ظرفیت های حرفه ای را در خودم ایجاد کنم؟ چه این تجربیاتی کسب کنم؟**
* **پس مرحله ی اول که طرح خود را با شما در میان می گذارد کار شما به عنوان کارشناس این است که وارد شوید؛ کمکش کنید تا این تصویر را واضح کند؛ این مساله را نیز واضح کند؛ این یعنی بیان واضح و روشن مساله ای که پیش روی او قرار دارد، برای اینکه در راه رسیدن به آن معلمی که آرزو دارد، قدم بردارد.**

**در چه موقعیتی ؟**

* **وقتی مساله روشن شد حال آن موقعیتی که قرار است در آن دست به عمل بزند چه موقعیتی است؟کدام مدرسه؟ کدام کلاس؟ کدام دانش آموزان؟ چه تعاملاتی و چه شرایطی؟ با چه ویژگی هایی؟**
* **این همان جایی است که با کارورزی 1 پیوند برقرار کرده و گزارش کارورزی 1 به کمک دانشجو می آید. آیا اطلاعات جمع آوری شده کافی است؟ چه اطلاعات دیگری نیاز است؟ آیا مشاهدات گسترده تری نیاز است؟**
* **در چرخه ی کنش پژوهی رفت و برگشت وجود دارد؛ آیا مساله را درست تعریف کرده ام؟آیا تصویر واضحی از خودم ارائه داده ام؟**
* **فضای یادگیری، امکانات، ویژگی های دانش آموزان، شرایط عاطفی حاکم بر کلاس درس همه و همه لازم هستند تا دانشجو موقعیت و زمینه را شناسایی کند.**

**با چه هدفی؟**

* **هدف، فرضیه، ایده، راه حل یا پرسش من چیست؟**
* **دانشجو در این مرحله هدفی را مشخص می کند.**
* **هدف، فرضیه، ایده، راه حل یا پرسش باید باز، کاربردی، قابل دستیابی، عینی(قابل اندازه گیری) و برآمده از موقعیت باشد.از این حیث، تنها بخشی از هدف ما پوشش دادن استانداردها است.**

**با چه برنامه ای ؟**

* **چه برنامه ای برای رسیدن به آن هدف دارم؟ویژگی فرایند آموزش چیست؟فرآیند آموزشی باید از چه ویژگی هایی برخوردار باشد تا امکان تأمل و بازاندیشی حرفه‏ای را فراهم کند؟**
* **چه کاری می توانم انجام دهم؟چگونه می توانم موفق شوم؟چه کار بهتری را می توانم انجام دهم؟چه کاری برای دستیابی به نتایج مورد انتظار باید انجام دهم؟آیا این همان چیزی است که به دنبال آن هستم؟**
* **ارتباط مسئله شناسایی شده و طراحی طرح یادگیری این است که دانشجو یک ادعای حرفه ای دارد؛ ادعایی که حاصل واکاوی توانایی های خود در طول دو ترم کارورزی است و یک موقعیت آموزشی که باید در آن دست به عمل بزند. این موقعیت دارای ویژگی ها و پیچیدگی هایی است که وقتی دانشجو معلم می خواهد برای اجرای ادعای حرفه ای خود (به عنوان مثال: «می خواهم کلاسی داشته باشم که صرفنظر از تفاوت های فردی همه یادگیرندگان موفقی باشند که از یادگیری خود احساس رضایت دارند») در یک موقعیت مسئله ای (به عنوان مثال: در شرایطی در کلاس درس که بچه ها به روش های سنتی آموزش دیده اند)اقدام کند، باید برای آنبرنامه ریزی دقیقی داشته باشد.**

**مراحل طراحی یک طرح آموزشی**

**ارتباط برقرار کردن(Relating):**

* **اولین گام در طراحی آموزشی، برقراری ارتباط میان بافتی که یادگیرنده در آن قرار دارد، با محتوایی است که قرار است آموزش داده شود.**
* **برقراری ارتباط یعنی درگیر کردن فراگیران و استفاده از اطلاعات یا تجربیات پیشین آنها برای بیرون کشیدن مسائل آن ها برای سوار کردن محتوای آموزشی بر روی آن.**
* **نقطه آغاز یادگیری در درون فراگیران است.پایه ی هر آنچه می خواهیم به او بیاموزانیم روی آن چیزی است که فرد می داند؛ چیزی که به آن احساس تعلق دارد یا مساله ی ذهنی اوست؛ چیزی که در ارتباط با زندگی روزمره دانش آموز و برخاسته از مسایلی است که دانش آموز با آن روبرو است.**
* **این امر نیازمند مطالعه ی بافت، موقعیت و زمینه ای استکه یادگیرنده در آن زندگی می کند. هدف این مطالعه، مشخص کردن تجربیات پیشین و نیازهای فراگیران است.**
* **معلم فرصت های یادگیری را با خلاقیت خود ایجاد و یا شکار کرده و دانش آموز را به گونه ای درگیر می کند که با استفاده از دانش پیشین خود به دنبال حل مسأله ای برود که مسأله خود اوست نه مسأله معلم. برنامه درسی مجموعه ی چنین فرصت هایی برای یادگیری است.از این منظر، یادگیری در بافت و زمینه ای که یادگیرنده در آن قرار دارد اتفاق می افتد.**
* **پس از شناسایی مسأله کارورز از خود می پرسد: آیا این مساله، مساله ی همه ی دانش آموزان کلاسم است؟آیا این مساله، ظرفیت این را دارد که محتوایم را سوار برآن کنم؟**
* **معلم (کارورز) با توجه به استانداردهای برنامه درسی،اهداف آموزشی(پیامدها) را مشخص می کندولی این اهداف بسته نیستند زیرا بخشی از اهداف برآمده از موقعیتیعنی فعل و انفعال کلاس هستند. اوبه طور مداوم در مورد اهداف خود تأمل می کند. آیا اهدافم را درست انتخاب کرده ام؟ آیا آن ها برآمده از موقعیت کلاسم هستند؟ آیا در این بین مساله ی ذهنی دانش آموزانم را لحاظ کرده ام؟ آیا مسأله ی بچه ها درست تشخیص داده ام؟ آیا این مساله ظرفیت آن را دارد که آموزش محتوای خود را بر روی آن قرار دهم؟ آیا به اندازه ی کافی برای دانش آموزان چالش برانگیز است؟آیا یادگیری مفهومی را در برنامه ام در نظر داشتم؟ یعنی آیا برنامه ای که طراحی کرده ام قابل تجربه و آزمایش باشد و به یادگیرنده کمک می کند تا با بروز خلاقیت های خود، کشف کنند، اختراع کنند، به ایده های نوبیاندیشند و از طریق پژوهش پاسخ پرسش های خود را بیابند؟**
* **استاد گزارش های ترم اول دانشجو را بخواهد تا مطالعه موقعیت کند. ببینیم چه داده هایی داریم. ( جمعی یا فردی)**
* **این داده ها با طرح پرسش هایی از طرف استاد (بازخورد تأملی) بررسی می شوند تا دانشجو متوجه شود داده ها کفایت مطالعه موقعیت را می کند یا نه.اگر شناسایی موقعیت کافی بود دانشجو به طراحی یادگیری می پردازد.**

**تجربه کردن(Experiencing)**

* **گام «تجربه کردن» در طراحی آموزشی یعنی به تجربه گذاشتن یافته های اولیه که از گام پیشین به دست آمده اند.**
* **مرحله برقراری ارتباط و به تجربه گذاشتن با هم همپوشانی دارند. وقتی موقعیت توسط استاد تأیید شد، دانشجو باید مبتنی بر فعالیت قبلی، فعالیت جدید طراحی کند؛ طرحی که دغدغه، ایده، سوال یا فرضیه ی او را بررسی کند، ارائه می دهد. در این مرحله، دانشجو مساله را سوار بر دانش و تجربه پیشین دانش آموز می کند(مثلا سوال او است: چرا بیماری قلبی و عروقی مشکل همه کشور است؟ آیا جامعه ما دچار آسایش زدگی شده است؟)**
* **به تجربه گذاشتن جایی است که دانش و تجربه پیشین،همراه با پیش فرض های علمی،در راستای پاسخ به سوال کارورز قرار می گیرند(در مثال بالا: بیماری قلبی و عروقی بالاست چون تحرک کم داریم یا آلودگی هوا زیاد است).**

**بکارگرفتن(Applying)**

* **به جایی می رسیم که گروه های مختلف جواب سؤالات را می آورند؛ اما پاسخ کدام است؟ ما هنوز به مسأله جواب ندادیم.اینجا وارد مرحله بکار گرفتن می شویم.**
* **جایی که دانش پیشین پاسخگوی پرسش یا دغدغه ذهنی دانش آموز نیست، جایی است که دانش سازمان یافته باید تزریق شود. اینجاست که دانش جدید سر جایش می نشیند و مجدداً انسجام ذهنی برقرار می شود.**
* **دانش پیشین یعنی اطلاعات آورده شده به دانش سازمان یافته که توسط معلم (کارورز) ارائه می شود، اضافه می شود. ذهن دانش آموزان در این مرحله ساخت جدیدی پیدا می کند.در این مرحله برای کسب معنا پیوند بین دانش قدیم و جدید(یکپارچه سازی) رخ می دهد.**
* **دانش سازمان یافته توسط معلم جایی ارائه می شود که تجربۀ پیشین این نیاز را به وجود آورد.**
* **در این مرحله ممکن است کارورزاز بچه ها بخواهد که بروند و دوباره اطلاعات جمع کنند.**

**به اشتراک گذاشتن(sharing)**

* **در این مرحله، معلم (کارورز) از دانش آموزان می خواهد هر آنچه دریافتند به اشتراک بگذارند.هر کس از جنبه ای به بحث نگاه می کند. دیدگاه های مختلف دوباره تعارض پیدا می کنند یا ایده های خلق شده با هم ترکیب می شوند. اینجا محصول یادگیری شکل می گیرد؛ محصولی که حاصل تعامل دانش آموزان با یکدیگراست.**
* **از این حیث، یادگیری مشارکتی و تعاملی، مقدمه یاد گیری مفهومی پایدار است. یادگیری مشارکتی یعنی انجام پژوهش ها و یا جمع آوری اطلاعات به صورت گروهی و تعامل در مورد یافته ها و تجزیه و تحلیل آنها.**
* **محصول یادگیری و تولید ارزش افزوده در مرحله به اشتراک گذاشتن اتفاق می افتد.**
* **بین مرحله به اشتراک گذاشتن (به اشتراک گذاشتن معنا های مختلف کسب شده توسط گروه ها ) و بکار بستن رفت و برگشت وجود دارد.**

**انتقال به موقعیت جدید Transferring))**

* **برنامه باید جوری طراحی شود که دانش آموز بتواند از نتایج آموخته ها در موقعیت های دیگر استفاده کند.**
* **معلم (کارورز) بایدموقعیت های جدیدی فراهم یا رصد کند که دانش آموز بتواند آموخته ها را در آن موقعیت ها نیز به کار گیرد (پژوهش علم در عمل).**
* **به این منظور، دانش آموز، دانش کسب شده را به موقعیت جدید انتقال می دهد و اقدامات انجام شده را به کلاس گزارش می دهد. (مثلا: عموی من هم که در خرمشهر زندگی می کند همین مشکل را دارد. بروم، ببینم مشکل او را چگونه می توانم حل کنم.)**

**ارتباط میان مشاهده، عمل و تأمل در برنامه کارورزی**

* **کارورزی یک: عمل مشاهده تأملی**
* **کارورزی دو: طراحی فعالیت یادگیری برای حل مساله / رفع نیاز**
* **کارورزی سه: تهیه طرح آموزشی و قرار گرفتن در چرخه کنش پژوهی بر اساس تجربیات کسب شده**
* **کارورزی چهار: رسیدن به تصمیم گیری حرفه ای مستقل**